

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۳/۱۶

اختر محمد یوسفی

## عدم موجودیت حاکمیت واحد دولتی در افغانستان!

گره های عدم موجودیت دولت و حکومت واحد مرکزی در افغانستان بر خلاف منافع ملی کشور ما در کجا و چگونه باهم گره خورده است؟

تعریف دولت متمرکز واحد ملی که سزاوار همگانی اتباع ملت در یک کشور واحد باشد روشن است. دولت واحد مرکزی هیچگاهی توسط روابط انتیکی قومی و مذهبی با سهمیه بندی های خیالی و بدون پیمایش و معیارهای غیر قانونی ساخته نمی شود.



ساختار دولت متمرکز واحد ملی و قانونی همان ساختاریست که بر اساس قانون اساسی بوجود می آید و انعکاس دهنده حفاظت منافع فردی و جمعی تمام اتباع کشور می باشد. دولت متمرکز واحد ملی فرضیه های خیالی و غیر علمی نیست، برعکس دولت متمرکز واحد ملی متکی با معیارهای قانونی آن توسط خود مردم ساخته می شود. \* ماهیت دولت واحد متمرکز ملی افغانستان باید آئینه پاک باشد که تمام اتباع کشور منسوب به هر قوم، قبیله و طایفه که اگر اقلیت و یا اکثریت باشند خود را در آن با لب خند ببینند و خود را در آن فرد دارای حقوق مساوی نیز سهم بدانند.

\* ماهیت دولت واحد متمرکز ملی افغانستان باید آئینه پاک باشد که پیروان تمام مذاهب خود را در ادای امور مناسک دینی شان کاملاً آزاد به پندارد، اماکن مقدس عبادات تمام آنان مساجد، تکیه خانه ها و درمسالها از هر نوع تهدید مصون باشد.

\* ماهیت دولت واحد متمرکز ملی افغانستان باید آئینه پاک باشد که تمام اجزای و منابع ملی کشور توسط قانون و ارگانهای دولت حفاظت شود، و از امتیازات نامشروع زورمندان و چپاولگران از طریق مجرای قانونی جلوگیری کنند.

ماهیت دولت واحد متمرکز حقیقی دربرگیرنده صدها اصل حقوقی مساوی اتباع می باشد. با مرور مختصر میخوام ببینیم که در چند دهه اخیر با تدام جنگ بیگانه گره های عدم موجودیت حکومت و دولت واحد مرکزی در افغانستان در کجا گره خورده است؟

1- برخی از سیاست مداران و قلم بدستان افغان در وضع بحران موجود تعریف قانون و اخلاق را نادرست باهم مخلوط می کنند. آنها متوجه تفاوتیهای مشخصات قانون و اخلاق نیستند. این عده سیاست مداران و قلم بدستان در کشور انارشی و بغاوت سازمانیافته دشمنان را ناشی از جرعت انارشیتان و بغاوتگران تعریف کرده اند. قانون اوامر اجرایی بالایی همه یکسان دارد و اخلاق و جرعت اخلاقی انسان مشخصات قانونی ندارد. باید با صرحت در جواب آنان گفت که تمام اقوام و پیروان مذاهب اتباع افغانستان از دید اخلاق مردم شجاع هستند، در افغانستان هیچ قوم بزرگ و کوچک و مذهب بی غیرت وجود ندارد. مگر تظاهرات اخلاقی مظهر اجرای مکلفیتهای قانونی اتباع نمی باشد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

2- هیچیک از ساختارها روی صحنه کنونی در افغانستان و رهبران اجیر شان که در نتیجه جنگ با حمایت دشمنان خارجی افغانستان بوجود آمده اند، بصورت طبیعی به یک قوم و مذهب کشور منسوب هستند، مگر هیچ یک از رهبران و حلقات اوباش ایشان نمایندگان قانونی و واقعی اقوام شریف و مذاهب مقدس در افغانستان نیستند. این شرارت پیشه گان که در طی چند دهه اخیر چوکی های دولتی و امتیازات را از نام قوم، مذهب و "جهاد" در حکومت افغانستان برای منافع شخصی و حلقوی خویش بدست آورده اند، هیچوقت برای اقوام شریف و پیروان مذاهب در کشور ما کار نکرده اند.

ساختار دولتی و حکومت موجود که بر اساس سهمیه بندی های خیالی قومی و مذهبی بدون پیمایش با معیارهای غیر قانونی در دسامبر 2001 میلادی در کنفرانس بن المان و دولت "وحدت" ملی 2014 میلادی توسط خارجیها در افغانستان وجود آمد است، سنگ تهداب تمام مشکلات اساسی کنونی افغانستان را تشکیل میدهد و نتایج آن به مرحله تپاه کن انکشاف نموده و خطر نابودی کشور محسوس است.

بغاوتگران انتخاب و حمایتگران خارجی بحران کنونی را به شیوه قانون شکنی و کودتا علیه قانون اساسی و دولت موجود در کشور انجام دادند خیانت ملی شمرده می شود. بغاوتگران انتخاب کنونی مستحق مکافات نه بلکه باید بر اساس قانون مجازات شوند. همین بغاوتگران و قانون شکنان در طی پنج سال گذشته تا دیروز هم شریک مناصف تمام امتیازات و چوکی های دولتی در افغانستان بودند که بر مشکلات افغانستان افزوده شده است.

اکنون باز هم برای بغاوتگران انتخابات اگر چک سفید با بیش از نصف تمام امتیازات و چوکی های دولتی بر اساس سهمیه بندی خیالی قومی و مذهبی در افغانستان داده شود، حل بحران است که بغاوتگران انتخابات توسط تحریکات و حمایت دشمنان خارجی افغانستان بوجود آورده اند، حل و فصل عادلانه آن ناممکن است.

طرح سهمیه بندی خیالی 50-50 فصد و یا بیشتر چوکی ها و امتیازات بنام اقوام و مذاهب ورد زبان عبدالله در افغانستان گردیده است اساساً توطیه دشمنان خارجی و اجیران داخلی کشور است که برای تداوم جنگ و نفاق ملی در بین مردم کشور ما طرح ریزی شده است.

این اصل را نباید نادیده گرفت که با سهمیه بندی خیالی 50-50 فصد چوکی ها و امتیازات بنام اقوام و مذاهب هیچ وقت دولت واحد ملی را افغانستان بوجود نمی آید.

همزمان با بحران باغیان انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان مذاکرات بین الافغانی و توافقنامه "صلح" ایالات متحده امریکا با طالبان بدون حضور و اعاده حقوق قربانیان جنگ در افغانستان در شاخ بز آی. آی. پاکستان بند است.

توافقنامه "صلح" ایالات متحده امریکا با طالبان غیر ناکام و عملی است که رهایی (5000) پنجهزار زندانی طالبان هم جنگ و خونریزی در افغانستان قطع نمی شود.

طالبان خلاف تمام تجارب ارزشمند ساختار دولتهای مدرن قرن (20) بیست و (21) یک میلادی خواهان تأسیس چنان ساختار دولت مذهبی امارت "اسلامی" بدوی در افغانستان هستند که مردم افغانستان قبل از چاردهه جنگهای با تشکیل دولت امانی سرگرم ایجاد دولت عصری و قانونی برای کشور بودند.

مردم افغانستان با افکار مدنی شان هیچگاهی امارات بدوی و وحشی طالبان را قبول ندارد. اکنون زمان دولتهای امارات بدوی وحشی ماقبل التاریخ گذشته است. دولت های مذهبی بدوی امارت "اسلامی" اکنون در کشوری عربی از شرقمیانه تا افریقا بشمول عربستان سعودی که مرکز ظهور چنین امارات بودند روبرو است.

جای شرم و خجالت است که پاکستان و نوکران طالب شان برای تداوم جنگ در افغانستان امارت "اسلامی" بدوی وحشی شانرا را در توافقنامه "صلح" با ایالات متحده امریکا گنجانیده است. به این عکس های مستند نمونه فقر در افغانستان و عشرت طالبان را ببینید.



طالبان خود شان تا امروز سالانه میلیونها دالر، دینار، ریال پول و کمک های دولتها و موسسات خارجی مسلمان و غیر مسلمان را میگیرند و در قصر های قطر و دوی زندگی میکند، مگر از کمک های بشردوستانه موسسات خیریه خارجی بشمول موسسه صلیب سرخ را برای مردم فقیر افغانستان جلوگیری میکنند.

بر علاوه جنگ طالبان در افغانستان، متأسفانه فقر و عدم امکانات صحتی در افغانستان نیز جان هزاران هموطنان فقیر و مظلوم ما را میگیرد. طالبان و سایر بنیادگرایان "اسلامی" به دستور آی. اس. آس. پاکستان هر سال تعداد از کارکنان کمک های بشردوستانه موسسات خیریه خارجی بشمول کارکنان صلیب سرخ را در افغانستان که مصروف رسانیدن کمکهای بشردوستانه برای مردم فقیر افغانستان هستند، بقتل میرساند. تازه ترین مثال قتل داکتر توسعه ابیاری جاپانی مشهور به بابا مراد در ولایت ننگرهار افغانستان است.

سفیر وقت فرانسه برنار بزوله در افغانستان بتاريخ ۲ فبروری سال ۲۰۱۲ میلادق اظهار جالبی را در مورد نقش همسایه های افغانستان منتشر کرده است وی گفته است که:

« می خواهم بگویم که افغانستان در زمینه مسایل امنیتی نباید بیشتر بالای خارجی ها بخصوص همسایه های خود حساب بکند. افغانستان با همسایگان و کشور های همجواریش گفتگو های را انجام دهد، اما صرف افغانها می توانند، که برای مشکلات موجود در کشور شان، راه حل را دریافت کنند. هدف همسایه های افغانستان ایجاد تفرقه میان افغان ها است. اما اگر افغان یک مشیت واحد باشد برای مشکلات موجود در کشور شان، راه حل را دریافت میکنند. کشورهای همسایه به اهداف شان نائل نمی شوند. به همین خاطر است که ما از تلاش های حکومت افغانستان در راستای مذاکره با مخالفین مسلح حمایت می کنیم.»

باید تمام جوانب خارجی و داخلی جنگ در افغانستان این واقعیت عینی را نباید از نظر دور خود بسازد، هرگاه همزمان در هر دو جهت مقامات ایالات متحده امریکا بالای اشرف غنی فشار بیشتر از یکطرف برای بدست آوردن تقاضای نامشروع بغاوتگران انتخابات و از جانب دیگر برای تعمیم توافقنامه غیر عملی با طالبان وارد نمایند، بعید بنظر نمی رسد که دولت نیم بند دوسره کنونی هم قبل از خروج قوای نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو توسط توطیه های همسایه های افغانستان از کنترل خارج و سقوط نماید.